

وزارت علوم، تحقیقات فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی تطبیقی تضمینات حقوق متهم از منظر فقه و قوانین موضوعه (گزیده ای از حقوق شهروندی)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

استاد راهنما

دکتر مهدی رهبر

استاد مشاور

دکتر حسین نمازی فر

نگارش

سمیه اکبری

مهر ماه ۱۳۸۹

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

آنانکه راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت

سپاس گزاری

سر بر آستان جلال پروردگار بی همتا می سایم که همواره یار و همراه من در تمام مراحل زندگی بوده و هیچگاه تنهائیم نگذاشت.

با تشکر و سپاس فراوان از خانواده عزیزم به ویژه پدر و مادر بزرگوارم که همواره مشوق و حامی ام بوده اند و همیشه به وجودشان افتخار می کنم .

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر مهدی رهبر که راهنمایی پایان نامه اینجانب را برعهده داشتند، و بنده را در پیمودن این راه یاری نمودند؛ تشکر و قدردانی می نمایم.

از جناب آقای دکتر حسین نمازی فر به عنوان استاد مشاور کمال سپاس را دارم.

از جناب آقای دکتر نایب زاده به عنوان داور خارجی، همچنین از جناب آقای دکتر فنایی به عنوان داور داخلی که قبول زحمت نمودند و پایان نامه اینجانب را مطالعه فرمودند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

در پایان از تمام دوستان و عزیزانی که در تدوین این پژوهش یاری ام نمودند، سپاس گزارم.

سمیه اکبری

مهر ۱۳۸۹

چکیده

در این نوشتار حقوق متهم و تضمینات آن در فرایند کیفری از نظر اسلام و حقوق موضوعه مطرح شده است. متهمی که هنوز جرمش به اثبات نرسیده، دارای حقوقی است که در سیستم کیفری اسلام به این حقوق و رعایت آن ها، عنایت ویژه ای شده است. حق دفاع از خود و آزادی و حفظ موقعیت فردی و اجتماعی از جمله حقوقی است که برای هر کس از جمله متهم لازم الرعایه است. عوامل متعددی می تواند ضامن حفظ و بقاء این حقوق، برای متهم شود که از آن ها به عنوان تضمینات حقوق متهم یاد شده است. از جمله این عوامل عبارت هستند از: عدالت در دادرسی، شرایط شهود، توقف هنگام شبهه و رعایت عناوین اضطرار و اکراه و...

در این رساله انواع تضمینات حقوق متهم مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کلید واژه: حق، متهم، تضمین، کیفر، مسئولیت، حق دفاع.

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات و مفاهیم

| | |
|---|------------------------------|
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | تعریف مسأله |
| ۴ | سئوال های اصلی تحقیق |
| ۴ | فرضیه های اصلی تحقیق |
| ۴ | سوابق پژوهشی |
| ۵ | روش تحقیق |
| ۵ | نتایج قابل پیش بینی از تحقیق |

مفاهیم

| | |
|----|----------------------|
| ۷ | ۱-۱- حق |
| ۸ | ۱-۱-۱- معنای لغوی حق |
| ۱۰ | ۱-۲- حق در اصطلاح |
| ۱۷ | ۲-۱- حقوق شهروندی |
| ۱۸ | ۱-۲-۱- شهر |
| ۲۰ | ۲-۲-۱- شهروند |
| ۲۲ | ۳-۲-۱- شهروندی |
| ۲۳ | ۴-۲-۱- حقوق شهروندی |
| ۲۸ | ۵-۲-۱- حقوق موضوعه |
| ۲۹ | ۳-۱- متهم |

- ۱-۳-۱- معنای لغوی..... ۲۹
- ۱-۳-۲- معنای اصطلاحی..... ۳۰
- ۱-۳-۳- اقسام متهمین..... ۳۷
- ۱-۴- تضمین..... ۴۵

فصل دوم: انواع تضمینات حقوق متهم

بخش اول: تضمینات حقوق متهم از دیدگاه سیاست حاکم بر قوانین کیفری

- ۱-۲- سیاست کیفری..... ۵۱
- ۱-۱-۲- خطاپوشی داوطلبانه..... ۵۵
- ۲-۱-۲- تشویق به عدم اقرار..... ۵۷
- ۳-۱-۲- تشویق شهود به ستر خطا..... ۶۶
- ۴-۱-۲- ترجیح ترک گواهی..... ۷۰
- ۵-۱-۲- اصل برائت..... ۷۵
- ۱-۵-۱-۲- تبیین اصل برائت در فقه امامیه..... ۷۵
- ۲-۵-۱-۲- اصل برائت در قانون اساسی..... ۷۷
- ۳-۵-۱-۲- اصل برائت در قانون آیین دادرسی کیفری..... ۷۸
- ۴-۵-۱-۲- مبانی اصل برائت..... ۷۹

بخش دوم: تضمینات حقوق متهم در مرحله اثبات جرم

- ۱-۲-۲- محدود کردن ادله اثبات جرم..... ۸۴
- ۲-۲-۲- سخت گیری در مرحله اثبات جرم..... ۸۴
- ۱-۲-۲-۲- شرایط اقرار..... ۸۵
- ۲-۲-۲-۲- شرایط گواهی..... ۸۵
- ۳-۲-۲-۲- چگونگی تحمل شهادت..... ۸۸

- ۹۰..... ممنوعیت تجسس..... ۴-۲-۲-۲
- ۹۳..... دادرسی عادلانه..... ۳-۲-۲-۲
- ۹۳..... علنی بودن دادرسی کیفری..... ۱-۳-۲-۲
- ۹۵..... سرعت در جریان رسیدگی..... ۲-۳-۲-۲
- ۹۷..... بی طرفی در دادرسی..... ۳-۳-۲-۲
- ۹۸..... ابزار تامین کننده بی طرفی دادرسی..... ۱-۳-۳-۲-۲
- ۹۸..... ادله مشروعیت..... ۲-۳-۳-۲-۲
- ۱۰۲..... مسئولیت اقامه دلیل..... ۴-۲-۲-۲
- ۱۰۲..... معنای واژگان..... ۱-۴-۲-۲
- ۱۰۴..... معنای اصطلاحی..... ۲-۴-۲-۲
- ۱۰۷..... الزام مقام تعقیب به اثبات..... ۳-۴-۲-۲
- ۱۰۸..... عنصر قانونی جرم..... ۱-۳-۴-۲-۲
- ۱۰۹..... عنصر مادی جرم..... ۲-۳-۴-۲-۲
- ۱۱۰..... عنصر معنوی جرم..... ۳-۳-۴-۲-۲
- ۱۱۰..... ادله..... ۴-۳-۴-۲-۲
- ۱۱۲..... حق دفاع..... ۵-۲-۲-۲
- ۱۱۲..... دفاع در لغت..... ۱-۵-۲-۲
- ۱۱۴..... معنای اصطلاحی..... ۲-۵-۲-۲
- ۱۱۶..... دفاع از نظر آئین دادرسی کیفری..... ۳-۵-۲-۲
- ۱۱۷..... حکم دفاع در دعاوی کیفری..... ۴-۵-۲-۲
- ۱۱۷..... مبنای مشروعیت دفاع از حق از سوی مدعی علیه..... ۵-۵-۲-۲
- ۱۲۰..... فطری بودن حق دفاع..... ۶-۵-۲-۲
- ۱۲۳..... زمان دفاع در دعاوی کیفری..... ۷-۵-۲-۲
- ۱۲۶..... مسئولیت اثبات شرایط مساعد به حال متهم..... ۶-۲-۲-۲
- ۱۲۹..... متهم و الزام به اثبات..... ۱-۶-۲-۲

- ۱۳۰.....۲-۶-۲-۲-۲ برخی مصادیق شرایط مساعد به حال متهم در فقه.....
- ۱۳۰.....۱-۲-۶-۲-۲ ادعای اکراه توسط زانی.....
- ۱۳۱.....۲-۲-۶-۲-۲ ادعای اکراه در ارتداد توسط متهم.....
- ۱۳۱.....۳-۲-۶-۲-۲ ادعای سارق به بخشیدن مالک یا اذن او.....
- ۱۳۲.....۴-۲-۶-۲-۲ ادعای جنون هنگام قذف.....
- ۱۳۳.....۵-۲-۶-۲-۲ ادعای جهل در حدود.....
- ۱۳۳.....۶-۲-۶-۲-۲ ادعای ارتداد مقذوف توسط قاذف.....
- ۱۳۴.....۷-۲-۶-۲-۲ اباحه قتل در فراش.....
- ۱۳۵.....۸-۲-۴-۲-۲ دفاع مشروع.....
- ۱۳۷.....۹-۲-۶-۲-۲ ادعای ابوت توسط قاتل.....
- ۱۳۸.....۱۰-۲-۶-۲-۲ اباحه قتل مهدور الدم یا جایز القصاص.....
- ۱۳۸.....۱۱-۲-۶-۲-۳ قتل به اعتقاد مهدور الدم بودن.....
- ۱۳۹.....۱۲-۲-۶-۲-۲ صغر سن و جنون.....
- ۱۴۲.....۱۳-۲-۶-۲-۲ ادعای موت مقتول قبل از جنایت.....
- ۱۴۳.....۱۴-۲-۶-۲-۲ ادعای ناقص بودن عضو مورد جنایت.....
- ۱۴۷.....۳-۶-۲-۲ تفصیل بین شرایط.....
- ۱۴۸.....۱-۳-۶-۲-۲ ماهیت دفاع، ایراد و ادعا.....
- ۱۵۱.....۷-۲-۲-۲ أخذ آخرین دفاع از متهم.....
- ۱۵۱.....۱-۷-۲-۲ معنای واژه.....
- ۱۵۱.....۲-۷-۲-۲ اسلام و آخرین دفاع.....
- ۱۵۴.....۳-۷-۲-۲ إعدار.....
- ۱۵۴.....۱-۳-۵-۲-۲ معنای لغوی.....
- ۱۵۴.....۲-۳-۷-۲-۲ مفهوم اصطلاحی.....
- ۱۵۶.....۴-۷-۲-۲ مشروعیت إعدار.....
- ۱۵۷.....۵-۷-۲-۲ زمان إعدار.....

بخش سوم: تضمینات حقوق متهم در مرحله تعقیب

- ۱۶۰-۳-۲- توبه.....
- ۱۶۰-۱-۳-۲- مفهوم توبه.....
- ۱۶۶-۲-۳-۲- آثار توبه.....
- ۱۶۶-۱-۲-۳-۲- توبه در حدود.....
- ۱۶۸-۱-۱-۲-۳-۲- توبه قبل از ارجاع امر به دادگاه.....
- ۱۶۹-۲-۱-۲-۳-۲- توبه بعد از ارجاع امر به دادگاه.....
- ۱۷۰-۲-۲-۳-۲- توبه در تعزیرات.....

بخش چهارم: تضمینات حقوق متهم و شرایط عدم اثبات

- ۱۷۴-۴-۲- شرایط عدم اثبات جرم.....
- ۱۷۴-۱-۴-۲- جرائم منافی عفت.....
- ۱۷۵-۱-۱-۴-۲- ادعای شبهه.....
- ۱۷۵-۲-۱-۴-۲- ادعای اکراه.....
- ۱۷۶-۳-۱-۴-۲- ادعای زوجیت.....
- ۱۷۷-۴-۱-۴-۲- ادعای اضطرار.....
- ۱۷۸-۲-۴-۲- راه کارهای سقوط حد در سرقت.....
- ۱۷۸-۱-۲-۴-۲- رابطه خویشاوندی.....
- ۱۷۹-۲-۲-۴-۲- ربایش علنی.....
- ۱۸۰-۳-۲-۴-۲- ربایش از مال مشترک.....
- ۱۸۰-۴-۲-۴-۲- مصادیق دیگر.....
- ۱۸۵-۳-۴-۲- شرب خمر.....
- ۱۸۷-۴-۴-۲- محاربه.....

بخش پنجم جنسیت و تضمینات حقوق متهم

- ۱۹۰..... ۱-۵-۲ تفاوت های آیین دادرسی در زمان اجرای حکم
- ۱۹۱..... ۲-۵-۱-۱- زن باردار و شیرده
- ۱۹۳..... ۲-۵-۱-۲- زنای با اکراه
- ۱۹۴..... ۲-۵-۱-۲-۱- مفهوم اکراه
- ۱۹۵..... ۲-۵-۱-۲-۲- مجازات مکرهه
- ۱۹۷..... ۲-۵-۲- تحقیق از زنان متهم
- ۱۹۷..... ۲-۵-۲-۱- مشروعیت تحقیق از زنان
- ۱۹۸..... ۲-۵-۲-۲- شروط تحقیق از زنان
- ۲۰۴..... ۲-۵-۳- تفتیش و بازرسی بدنی زن

فصل سوم: تضمینات حقوق متهم و قواعد کیفرزدا

- ۲۱۳..... ۳-۱- تعریف شبهه و حدود شمول قاعده
- ۲۱۵..... ۳-۱-۱- آثار شبهه
- ۲۲۰..... ۳-۲- مسامحه در کیفر
- ۲۲۰..... ۳-۲-۱- ممنوعیت محاکمه غیابی
- ۲۲۲..... ۳-۲-۲- اصالت در شهادت
- ۲۲۴..... ۳-۲-۳- رجوع گواه از گواهی
- ۲۲۷..... ۳-۲-۴- استمرار عدالت گواهان
- ۲۲۸..... ۳-۲-۵- جرح و تعدیل شاهد
- ۲۳۱..... ۳-۲-۶- شرط تعدد اقرار در حقوق الله
- ۲۳۴..... ۳-۲-۷- تفاوت انکار در حق الله و حق الناس
- ۲۳۴..... ۳-۲-۷-۱- انکار در حق الناس

| | |
|-----|---|
| ۲۳۴ | انکار بعد از اقرار در حق الله |
| ۲۳۹ | انواع رجوع از اقرار |
| ۲۳۹ | رجوع صریح |
| ۲۳۹ | رجوع قبل از اثبات |
| ۲۳۹ | رجوع مقرر پس از اثبات |
| ۲۴۰ | رجوع دلالی |
| ۲۴۴ | موارد عدم سقوط مجازات در صورت رجوع از اقرار - استثنائات |
| ۲۴۴ | رجوع بعد از اقرار در حدود موجب جلد - زناى غير محصنه و شرب خمر |
| ۲۴۵ | رجوع از اقرار در سرقت موجب حد قطع |
| ۲۵۰ | عدم پذيرش وکالت در اثبات حدود |
| ۲۵۲ | نقش وکیل در پاسخ دادن به دعوای کیفری |
| ۲۵۲ | نقش وکیل در تعریض انکار در دعوای کیفری |
| ۲۵۳ | وکالت در اقرار |
| ۲۵۵ | نتیجه |
| ۲۵۷ | فهرست منابع |

مقدمه

" وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^۱

"ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم."

انسان از دیدگاه اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. خداوند متعال، هدف از خلقت انسان را، مقام خلیفه الهی بیان و کرامت و شخصیت او را مورد عنایت قرار داده است. از نگاه اسلام غایت آفرینش انسان، رشد و شکوفایی استعدادهای او و رسیدن به کمال و لقاء پروردگار است که عدالت زمینه ساز آن می باشد. به جهت حفظ کرامت و شأن افراد، امتیازات و آزادی هایی به موجب قانون و شریعت به وی عنایت شده و رعایت آن ها ضمانت گردیده است. یکی از حقوق افراد که به رسمیت شناخته شده، حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی در حوزه های مختلفی از جمله حقوق مدنی، سیاسی و کیفری مورد استفاده قرار می گیرد. در فرآیند دادرسی کیفری، حقوق شهروندی، به معنای حفظ حقوق طرفین پرونده در جریان رسیدگی قضایی است. با شکل گیری جوامع بشری و مشخص شدن ارزش های اساسی و مورد قبول جامعه، شیوه های متعددی برای احترام به این ارزش ها و حمایت از آن، به کار رفته است. امروزه بهترین ابزار، برای تحقق چنین کارکردی، حقوق کیفری می باشد. بر این اساس حقوق کیفری دو وظیفه خطیر حمایت از امنیت اجتماع و حقوق و آزادی های شهروندان بر عهده دارد.

یک شهروند در اثر ارتکاب بزه از سوی دیگری، می تواند برای احقاق حق خود، از دستگاه قضا استمداد طلبد. دستگاه قضا نیز مکلف است، هر چه از ابزار در توان دارد؛ در جهت رسیدگی عادلانه به کار بندد. گاه به همین شهروند، اتهامی نسبت داده می شود؛ که می بایست، حقوق وی نیز در جریان

^۱-اسراء/۷۰

رسیدگی حفظ گردد. اصول دادرسی کیفری از بنیان های استواری است که موجب جلوگیری از انحراف دادرسی از مسیر اجرای عدالت می شود. افراد موجه و بی گناهی که بدون دلیل موجه مورد تعقیب کیفری قرار گرفته اند، می توانند با تمسک به این اصول، از خود رفع اتهام کنند، اصولی از قبیل برخورداری متهم از فرض بی گناهی، تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم در صورت تردید...

هنگامی که از حقوق متهم صحبت می شود، مقصود این است که در دادرسی های کیفری، انسانی حضور دارد که اتهامی به وی نسبت داده شده که گاه این اتهام در تعارض با حقوق دیگران و جامعه قرار گیرد. انسان به دلیل آن که از حقوقی برخوردار است، باید حقوقش به عنوان عضوی از اجتماع رعایت شود؛ به ویژه اگر در شرایطی قرار گرفته که وصف متهم را بر دوش کشد. در این حالت می بایست از وی به عنوان فردی از افراد جامعه، دفاع شود و حقوق وی تضمین گردد. افراد زمانی که با دادخواهی و محاکمه مواجه می شوند؛ بر این باور هستند که باید در سایه یک دادرسی عادلانه، رسیدگی انجام گیرد. هدف نهایی این دادرسی ها، اجرای صحیح و سریع عدالت و حفظ کرامت، حقوق و آزادی فرد می باشد.

تعریف مسأله

حقوق شهروندی زمانی معنا پیدا می کند که دو سویه آن، یعنی حکومت و مردم شکل گرفته باشد. با این وصف پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز هجرت به مدینه باز می گردد. بی شک حکومت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه به عنوان نخستین مرکز حکومت استقرار نظام حقوقی و سیاسی، نمونه کامل از عرصه ظهور و بروز آموزه های اسلام در حقوق شهروندی است.

قوانین حقوقی ما نشأت گرفته از فقه اسلامی است. آن چه در لابه لای آموزه های اسلامی و متون فقهی ما در باب حقوق یافت می شود، چنین است که اشکال مختلف حقوق در آن دیده می شد. حقوق شهروندی- که حقوق متهم جزئی از آن می باشد- شکلی از حقوق می باشد؛ از این امر مستثنی نیست. قرآن به عنوان منبع اصلی فقه و حقوق اسلامی به تعاملات گوناگون انسانی و برخوردهای آنان و نتایج رفتارهای ایشان توجه نموده و بر اساس آن به وضع قوانین و مقررات پرداخته است.

در دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، ویژگی هایی وجود دارد که سبب شده اسلام پاسخ گوی همه نیازها در تمام اعصار باشد. بر این اساس می توان گفت فقها و حقوق دانان اسلام راه های گوناگونی در پیش رو دارند که پاسخ گویی به مسائل نو ظهور را برای آن ها تسهیل می سازد. این که اسلام قابلیت و انعطاف لازم را برای تبیین و ارائه دیدگاه های خود درباره حقوق شهروندی دارد.

حقوق شهروندی در اسلام مورد توجه قانون گذار بوده و احکام به گونه ای تنظیم شده که با حقوق مردم از جمله حق حیات و مالکیت و برابری و آزادی، حق دفاع متهم از خود در محاکم و بسیاری موارد دیگر، مغایر نباشد و حتی در تأیید آن ها، ادله نقلی عقلی یا هر دو وجود دارد.

در این تحقیق برآنیم به بررسی و تحلیل گزیده ای از مصادیق حقوق شهروندی-در باب حقوق متهم- اشاره نماییم که حاکی از عمق و دقت و جامعیت اسلام است.

سؤال های اصلی تحقیق

- ۱- موارد کاربرد حقوق شهروندی در حوزه تضمینات حقوق متهم در قوانین موضوعه کدام است؟
- ۲- مبانی فقهی تضمینات حقوق متهم کدام است؟

فرضیه های اصلی تحقیق

- ۱- پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه باز می گردد.
- ۲- در مورد علنی بودن محاکمات دادگاه - ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری- در فقه، ادله نقلی از جمله: این که امام علی(علیه السلام) محاکمات را در مسجد کوفه انجام می دادند. مشروع بودن تعیین وکیل از سوی متهم، منع شکنجه، برائت متهم و قاعده درء، که ذکر این موارد دلیل بر جواز است.

سوابق پژوهشی

در زمینه حقوق شهروندی پژوهش هایی صورت گرفته و کتب ارزشمندی به چاپ رسیده و حقوق متهم به عنوان حقوق قضایی وی در ذیل مباحث مطرح گردیده است. لکن در باب بررسی توأمان فقهی و حقوقی موضوع، با این تقسیم بندی پایان نامه یا کتابی به چاپ نرسیده است. برخی از این کتب عبارت هستند از:

- مجموعه مقالات همایش علمی-پژوهشی در حقوق شهروندی.
- آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی.

- توسعه قضایی و تقویت حقوق شهروندی، علی باقری دولت آبادی.
- حقوق شهروندی در آیین دادرسی کیفری، قوه قضاییه.
- حقوق شهروندی در امور حقوق کیفری، قوه قضاییه.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه ای می باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق فیش برداری از منابع مربوطه و تجزیه و تحلیل اطلاعات است.

نتایج قابل پیش بینی از تحقیق

باب حقوق متهم که گزیده ای از حقوق شهروندی است؛ در فقه و حقوق اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در موارد متعددی به این حقوق اشاره شده که این نشان دهنده همه جانبه نگری قوانین اسلامی در مسائل مربوط به زندگی انسان می باشد. به نظر می رسد که هنوز مواردی هست که در تدوین قوانین نادیده گرفته شده است که باید مورد ملاحظه قرار گیرد. با لحاظ این حقوق، تدوین و رعایت آن ها، افراد انسانی می توانند در کمال آرامش با یک دیگر و در کنار هم زندگی کرده و در نهایت جامعه انسانی رو به کمال حرکت نماید.

این نوشتار در سه فصل تنظیم گردیده است که در فصل اول به بررسی معانی واژگان و تعاریف آن پرداخته می شود. در فصل دوم قواعد کیفرزدایی که متهم می تواند از آن به نفع خود استفاده نماید و یا دادرسان امر، مکلف به رعایت آن هستند، مورد بررسی قرار می گیرد. البته فرض بر این است که این حقوق مخل به نظم اجتماعی و حقوق آدمی نباشد که در این صورت بهره مندی از این امتیازها، دشوار به نظر می رسد.

در جایی که جرم واقع شده، موجب آسیب به فرد یا جامعه گردد و دلایل بر ثبوت اتهام به وی کافی باشد؛ دستگاه قضا جایز به رها کردن وی نیست. بنابراین متهم از ابزارهایی بهره جوید که حقوقش مورد حمایت قرار گیرد؛ از جمله: اصل برائت، آخرین دفاع متهم، حق دفاع، برخورداری از دادرسی عادلانه... این موارد در فصل سوم مطرح می گردد.

کلیات و مفاهیم

۱-۱- حق

همگام با تولد انسان، پدیده ای به نام حق-حق تمتع- مصاحب وی می باشد. این حق را در جوامع کوچک گذشته و جوامع امروزی می توان یافت.

شایسته است، پیش از آن که در مورد وظیفه دیگران نسبت به خود یا به عبارتی، حقی که ما بر عهده دیگران داریم، صحبت گردد؛ ابتداء به خود، نظر افکنیم. شاید به شناختی از حق برسیم. به این جهت که فردی که خود، حق مدار نباشد، نمی تواند پژوهشی علمی، پیرامون حق، انجام دهد.

انسان با تأمل در خود و جهان اطراف و در نعمت های الهی به معرفتی وسیع دست می یابد. هر چه نعمت ها بیشتر باشد، تکلیف بیشتری بر عهده فرد می آید. اگر وی بتواند حق نعمتی را اداء کند، نشان از آن دارد که پروردگار، نعمت توفیق شکرگزاری را به وی عنایت نموده است. آدمی برای اداء این حق نیز می بایست، شکر گزار خداوند متعال باشد.^۱ بر این اساس است که فرشتگان و تمام موجودات از اداء حق پروردگار ناتوانند.^۲

اینک چیستی حق، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، ص ۷۳.

۲- امام علی(علیه السلام)، نهج البلاغه، گردآورنده: سید رضی، خطبه یک

۱-۱-۱- معنای لغوی حق

حق واژه عربی است که در معنای ثبوت به کار رفته است.^۱ معادل آن در فارسی، "هستی پایدار" است. یعنی هر چیزی که از اثبات و پایداری، بهره جوید، حق است. به همین جهت، قرآن، پروردگار را حق می نامد:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ^۲
 "این از آن رو است که خداوند حق است و آن چه جز او می خوانند، باطل است و همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است."
 در آیات مختلف قرآن از خداوند با این تعبیر یاد شده است.

"فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ"^۳

"اکنون فرمان پروردگاران بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می چشیم."

در اینجا حق به معنای مسلم آمده است.

"و يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ"^۴

"او حق را به وعده خویش تحقق می بخشد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند."
 از مطالب بالا چنین مستفاد می شود که خداوند موجودی است، ثابت که هیچ زوالی در او راه ندارد و هر چه منتسب به او است؛ مانند جهان آفرینش، پیامبران و احکام، حق است؛ زیرا هر کدام از آن ها سهمی از ثبات و پایداری دارند.^۵

معانی گوناگونی برای واژه حق بیان شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود.
 حق در اصل به معنای سخن راست و مطابقت داشتن با واقع، ضد باطل، ثبوت، وجوب، یقین بعد از شک است.^۶

"فان الحق معناه هو الثبوت و حق الجار علی الجار و الوالد علی الوالد و نحوهما من الاحکام عبارة عن ثبوتها"^۷

۱- نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۵؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۴۵؛ فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۱۴۳؛ الشیخ الأصفهانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، صص ۳۸ - ۳۹.

۲- حج/۶۲.

۳- صافات/۳۱.

۴- یونس/۸۲.

۵- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، ص ۷۴.

۶- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹؛ اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۵.

۷- النجفی الخوانساری، منیه الطالب، تقریرات درس نائینی، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۵.

"حق به معنای ثبوت است. حق همسایه بر همسایه و پدر بر فرزند و مثل این موارد از احکام که عبارت است از ثبوت"

حق به معنای واجب، لازم و ثابت آمده است.

"حق من حقوقه ای: واجب مما اوجبه"^۱

"لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ"^۲

ای ثبت علیهم هذا القول و وجب لهم^۳

"البته این قول - وعده عذاب - بر اکثر آن ها ثابت و واجب است."

حق در مفهوم مصدری به معنای ثبوت و در مفهوم وصفی به معنای ثابت به کار می رود.^۴ سایر معانی آن عبارت است از مخالف باطل، حظ و نصیب، شایستگی،^۵ راست، مال، ملک، واجب، اسلام، مرگ و یکی از نام های خداوند متعال است.^۶

در مورد خداوند می گوئیم: خدا حق است؛ دو معنا دارد: یا او حقیقت بالذات است، یعنی حقیقت داشته و ثابت است و یا مطابق با واقع می باشد.^۷

گاه حق بر فعل خداوند، اطلاق می شود:

"مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ"^۸

"آیا آنان با خود نیندیشیده اند که خداوند، آسمان ها و زمین و آن چه میان آن دو است، جز به حق و برای زمان معینی نیافریده است ولی بسیاری از مردم لقای پروردگارش را منکرند."

در بعضی آیات برای فعل انسان به کار می رود.

"ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ"^۹

"چرا که آنان نسبت به آیات الهی کفر ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند."

استعمال، در این دو معنا به معنای لغوی آن "ضد باطل" باز می گردد.

در برخی دیگر از آیات قرآن کریم در معنای حقوقی استعمال شده است:

"فَلْيَكْتُبْ وَ لِيَمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ"^{۱۰}

"پس باید بنویسید و آن کس که حق بر عهده اوست، باید تقریر سکند."

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹؛ الشیخ الأصفهانی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۳۸ - ۳۹.

۲- بیس/۷.

۳- الشیخ الطریحی، مجمع البحرین، ج ۱، صص ۵۴۵ - ۵۴۶.

۴- الإصفهانی، محمد حسین، "کمپانی"، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۳۸؛ موسوی النجفی الخوانساری، منیة الطالب، ج ۱، صص ۱۰۶ - ۱۰۵.

۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، ج ۲۰؛ الفراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد الفراهیدی، کتاب العین، ج ۳، صص ۷-۶.

۶- الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۴، ص ۱۴۶۰؛ ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، ج ۲، صص ۱۵ - ۱۶.

۷- دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲۰، ذیل واژه حق؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ذیل واژه حق؛ واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، صص ۷۹ - ۸۰؛ السرخسی، المبسوط، ج ۸، ص ۱۳۴.

۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار "الهیات و شفا"، ج ۸، صص ۲۵۰-۲۴۸.

۹- روم/۸.

۱۰- بقره/۶۱.

۱۰- بقره/۲۸۲.

به نظر می رسد قدر متیقن و جامع مشترک میان کاربردها و معانی واژه حق، ثبوت باشد. پس آن چه که حق است پایدار و سودمند است و چیزی که پایدار نباشد، سود هم ندارد. سود راستین و واقعی مختص حق است و اگر کسی از سود حق استفاده نکند، به زیان باطل گرفتار خواهد شد.

"من لا ینفعه الحق یضره الباطل"^۱

"آن که حق به او بهره ندهد، باطل به او زیان می رساند."

باطل که ناپایدار است، گاهی به حق شباهت دارد و از این رو گروهی به دنبال باطل می روند. اصولاً شبهه به این دلیل "شبهه" نامیده می شود که به حق، شباهت دارد.

"انما سمیت الشبهه، شبهه لانها تشبهه الحق"^۲

"شبهه از آن رو شبهه نامیده می شود که شبیه حق است."

۱-۲-۱- حق در اصطلاح

واژه حق در علوم مختلفی، هم چون فلسفه، عرفان، اخلاق، فقه و حقوق در معانی متعددی، استعمال شده است. به این جهت دست یابی به یک تعریف واحد، دشوار می باشد. به علت گستردگی بحث، تنها به بیان معنای آن در فقه اکتفا می نمائیم. واژه حق در اصطلاح دارای دو معنای عام و خاص است.

"ان الحق له معنیان معنی عام، شامل للملك و الحكم .. و له معنی خاص فی مقابل الملك و الحكم و هو بهذه المعنی سلطنه علی فعل"^۳

"حق دارای دو معنای عام و خاص می باشد؛ در معنای عام شامل حکم و ملک می شود و در معنای خاص مقابل ملک و حکم می باشد و آن به معنای سلطنت بر فعل می باشد" در معنای عام، حق بر هر چیزی که توسط شارع جعل می شود، اطلاق می گردد؛ که شامل حکم، ملک، عین، منفعت و حق به معنای خاص می باشد.^۴

"و حق الجار علی الجار والوالد علی الولد ونحوهما من الأحكام عبارة عن ثبوتها، وهکذا مالکیه العین أو المنفعة من الحقوق والأمر الثابتة کحق الخيار، وحق الشفعة. وبعبارة أخرى: إطلاق الحق علی العین والمنفعة إطلاق شائع کإطلاقه علی الحكم. نعم، الحق بالمعنی الأخص مقابل لذلک کله، فإنه عبارة عن إضافة ضعیفه حاصله لذی الحق، وأقواها إضافة مالکیه العین، وأوسطها إضافة مالکیه المنفعة."^۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳۸.

۳- آل بحر العلوم، محمد، *بلغة الفقهية*، ج ۱، ص ۳۳؛ مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهة*، ج ۱، ص ۳۳.

۴- الطباطبایی الیزدی، سید محمد کاظم، *حاشیة المکاسب*، ج ۱، ص ۵۵؛ النجفی الخوانساری، موسی، *منیة الطالب*، ج ۱، ص ۴۱.

۵- مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهة*، ج ۱، ص ۳۰؛ الخوانساری، *منیة الطالب*، تقریر بحث النائینی، للخوانساری، ج ۱، صص ۱۰۷ - ۱۰۸.